

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیاحت غرب

یا مریشت ارواح پس از مرگ

در عالم برزخ

تألیف: آقا نجفی قوچانی

سرشناسه: نجفی قوچانی، محمد حسن، ۱۲۵۶-۱۳۲۲
 عنوان و پدیدآور: سیاحت غرب، یا، سرنوشت ارواح پس از مرگ در عالم
 برزخ / تألیف آقا نجفی قوچانی
 مشخصات نشر: قم: آرام بخش، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.
 شابک: ۴۰۰۰۰ ریال:

ISBN:978-600-93662-1-7

وضعیت فهرست نویسی: فیا.
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

وضع: معاد.
 موضوع: نجفی قوچانی، محمد حسن، ۱۲۵۶-۱۳۲۲.
 موضوع: زندگی پس از مرگ (اسلام).

موضوع: برزخ
 رده بندی کنگره: ۹۴۳۹ س ۳ / ۲۲۲/۲۲ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴ س ۳۶۱

۱۳۹۲

انتشارات آرام بخش

نام کتاب	سیاحت غرب
مؤلف	آقا نجفی قوچانی
صفحه آرائی	مجید بابکی رستگاری (۰۹۱۳۲۵۳۹۷۹۳)
ناشر	آرام بخش
شمارگان	۳۰۰۰
چاپخانه / نوبت چاپ	پاران / اول - ۱۳۹۲
قیمت	۴۰۰۰ تومان

مراکز پخش

قم: کتاب گستر جوان - تلفن ۲۹۲۹۸۴۴ همراه

۰۹۱۲۳۸۱۱۳۸۷ / ۰۹۱۲۳۸۱۱۳۸۷ - ۰۹۱۲۳۸۱۱۳۸۷

«فهرست مطالب»

عنوان	صفحه
مقدمه مؤلف:	۵
سرانجام مردم	۶
تکبر و متکبر	۸
آشنایی با «هادی»	۱۴
بررسی اعمال عمر	۱۸
فشار قبر	۱۹
توشه سفر	۲۱
بی مهری بازماندگان	۲۲
ملاقات امام زادگان و علما	۲۴
جدایی از «هادی»	۲۷
آشنایی با سیاه	۲۹
منزل اوّل بدون هادی	۳۶
آسایش موقت	۳۷
گوشه‌ای از کیفر کردار	۳۸
ورود به شهر ولایت	۴۱
در شهر «محبت»	۴۳

- ۴۶ دیدار مجدد با هادی
- ۴۹ پاداش مُتعه
- ۵۲ سرزمین شهوت
- ۵۷ سرزمین شکم پرستی
- ۵۸ وادی زشتی ها و زیبایی ها
- ۵۹ شهوتِ زبان
- ۶۲ ورود به وادی السَّلام
- ۷۸ در سرزمین حرص
- ۷۹ سرزمین حسد
- ۹۲ فروزان شدن آتش عشق
- ۱۰۷ انتقام در برهوت
- ۱۱۷ ورود به صحرای برهوت

مقدمه مؤلف:

بسم الله الرحمن الرحيم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
درد بی پایان برپیغمبر اسلام و اولاد او باد که پزشکان تن و روان
مردمانند، و از سختان اوست:

**«دوستی دنیا بیماری بزرگی است که همه مادی‌های دنیا شاخ و
برگ اوست و یادآوری از مرگ داروی آن بیماری است.»**

اما بعد، این بنده خدا می‌گوید: پیش از این، یعنی در سال یکهزار و
سیصد و هفت شمسی، گزارشات خود را از آغاز آموزگاری تا به انجام
نوشتن، و نام آن نامه را «سیاحت شرق» نهادم، و در این هنگام که سال
یکهزار و سیصد و دوازده شمسی است، گزارشات برزخی خود
رامی‌نویسم و نام این نامه را «سیاحت غرب» می‌نهم، تا یادگاری از من،
و مکت اسلام را پند باشد. پر روشن است که بدن عنصری و مادی
جهان طبیعت، حجابی است ضخیم، و پرده‌ای است سخت بر روی



دیده انسان از جهان دیگر، و انسان به مردن و بیرون شدن از این جهان مادی و برطرف شدن این پرده، می بیند و می رسد به چیزهایی که پیش از این نمی دید و نمی رسید.

﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ عَنْ هَذَا، فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ، فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾^۱

سرانجام مُردم

پس از یک دوره بیماری طولانی سرانجام مُردم، و دیدم که ایستاده ام و بیماری جسمی که داشتم ندارم و تندرستم، و خویشان من در اطراف جنازه جاری من گریه می کنند، و من از گریه آنها اندوهگینم و به آنها می گویم من نمرده ام، بلکه بیماری ام رفع شده است، ولی کسی گوش به حرف مرا نمی کند. گویا مرا نمی بینند و صدای مرا نمی شنوند. دانستم که آنها از من دورند. و من با دید آشنایی و دوستی به آن جنازه می نگرم، بخصوص پسر و دختر چپ آن را که برهنه بود و چشم های خود را به آنجا دوخته بودم.

بعد از غسل و دیگر کارها جنازه را به طرف قبرستان بردند، من هم جزو مشیعین^۲ رفتم. در میان آنها بغضی از جانوران وحشی و درندگان از هر قبیل می دیدم و از آنها وحشت داشتم، ولی دیگران وحشت

۱- برآستی که تو از این امر غافل بودی، تا اینکه ما پرده را از جلو چشم تو کنار زدیم؛ لذا امروز چشمانت تیز می بیند «سوره ق، آیه ۲۲».

۲- تشیع کنندگان.